

حقوق همسایگی در بستر محدودیت‌های ژئومورفولوژی

سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستای اورامان تخت)

رضا خیرالدین*، ابراهیم دلایی میلان**

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۴/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۴/۱۲/۱۶

چکیده

معماری و شهرسازی سنتی ایرانی-اسلامی به‌عنوان رویکردی به‌جا مانده از عصر شهرسازی سنتی، ارائه‌دهنده الگوهایی خاص در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای تاریخی ایران بوده است. این الگوها امروزه در بستر شهرها و روستاهایی با بافت سنتی مشاهده می‌شود که همواره مطابق با شرایط اقلیمی، محیطی، کالبدی و اجتماعی بافت سکونت است. حقوق همسایگی به‌عنوان یکی از حقوق پایه‌ای در نظام شهرسازی ایرانی-اسلامی، در بستر سکونتگاه‌ها نمایان بوده و بر پایه سنت، رفتارها و اصول حاکم بر جامعه، این حقوق رعایت شده است. روستای اورامان تخت کردستان به‌عنوان سکونتگاهی با بافت فضایی خاص، الگویی از سکونت را ارائه می‌دهد که قوانین و مقررات امروزی در حوزه شهرسازی، توسعه آن‌را در تضاد و تعارض با تحقق حقوق همسایگی می‌داند. لذا پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که «حقوق همسایگی در بستر کنش و واکنش متقابل حقوق مالکانه و منافع عمومی چه جایگاهی دارد؟» و «فرایند تبدیل تعارضات قانونی به توافقات عرفی چگونه منجر به تحقق حقوق همسایگی می‌شود؟» معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی با مبنای نظری و اصول فقهی اسلام، زمینه‌ای قوی در هدایت و توسعه معماری و شهرسازی معاصر دارد. با این رویکرد می‌توان موضوع مورد نظر این پژوهش را در بستر آیات قرآنی و تفاسیر معتبر از یک‌سو و قوانین و مقررات موجود از سوی دیگر مورد تحلیل و بررسی قرار داد. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی با استفاده از تکنیک استدلال منطقی است، استدلالی که براساس «مطالعه اسنادی» از آموزه‌های اعتقادی و پژوهش‌های مرتبط و همچنین «مشاهده میدانی» از بافت کالبدی و اجتماعی روستای اورامان تخت کردستان به تحلیل سؤال پژوهش پرداخته است.

نتایج پژوهش چگونگی توافقات عرفی برای تداوم توسعه فضایی و رعایت حقوق همسایگی ساکنین را تبیین می‌کند؛ تداومی که در بستر تعارضات موجود بین حقوق مالکانه با منافع عمومی صورت می‌گیرد. به این معنا که ملاحظات و ضوابط موجود در قوانین و مقررات شهرسازی و حقوق مالکانه به‌تنهایی نمی‌تواند تداوم حیات اجتماعی، توسعه فضایی سکونتگاه‌هایی مثل روستای اورامان تخت را ممکن سازد؛ درحالی‌که توافقات عرفی مبتنی بر شرایط محیطی عملاً تداوم زندگی اجتماعی و تحولات توسعه فضایی را در آن‌ها امکان‌پذیر ساخته است.

واژگان کلیدی: حق مالکیت، منافع عمومی، حقوق همسایگی، عرف اجتماعی، محدودیت‌های ژئومورفولوژی.

* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، پژوهشگر و عضو وابسته گروه مهندسی پروژه‌های

آمایش شهری، منظر و محیط (IPAPE). Reza_kheyroddin@iust.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.

مقدمه

شهر و روستا متشکل از فضاهای خصوصی و عمومی است که با نوع مالکیت، قابل تعریف و تبیین است. از بعد حقوقی، در بستر این فضاها حق و حقوقی جاری است که کنش و واکنش‌های ممکن را تعریف و تبیین می‌کند. یکی از مهم‌ترین این حقوق «حقوق همسایگی» است. حقوق همسایگی در شهر ایرانی-اسلامی از مهم‌ترین حقوق خصوصی در بستر فضاهای شهری به‌شمار می‌آید. این حقوق از ساده‌ترین نوع فضاهای شهری و روستایی تا پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین نوع ساخت‌وسازهای امروزی را شامل می‌شود.

از بعد مالکیت نیز، تنوع کنشگران در مدیریت فضاهای خصوصی و عمومی، تعامل دوسویه بین فضاهای خصوصی و عمومی را به تقابل منفعت‌طلبانه مبدل کرده است. این تقابل منفعت‌طلبانه، تحقق‌پذیری حقوق همسایگی را به‌عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق در بستر شهر ایرانی-اسلامی، با چالش‌های انکارناپذیری همراه کرده است. بسیاری از بایسته‌های اخلاقی، حقوقی هستند که باید درباره همسایه رعایت شود. این حقوق که بیشتر جنبه اخلاقی دارد و اولیای دین به‌طور جدی بر آن تأکید کرده‌اند (فلاح، ۱۳۸۹: ۳۶) در قالب حقوق همسایگی در بستر بافت فضایی-کالبدی شهر و روستا نمایان می‌شود.

در بطن توسعه و گسترش کالبدی-فضایی برخی از روستاها و حتی نمونه‌هایی از شهرها، قوانین و مقررات شهرسازی در جهت تحقق حقوق همسایگی با ابهاماتی روبه‌رو است که این ابهامات ناشی از تقابل حقوق مالکانه و منافع عمومی در بستر فضاهای خصوصی و عمومی است. درحالی‌که بر پایه قوانین و مقررات شهرسازی، بین کنشگران فضاهای خصوصی و عمومی که در دو دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود: دولت (کنشگر

فضاهای عمومی) و ملت یا مردم (کنشگر فضاهای خصوصی)، می‌بایستی تعادلی در جهت توسعه کالبدی فضایی شهر و روستا از یک‌سو و تحقق عدالت اجتماعی از سوی دیگر برقرار شود تا «تحقق‌پذیری حقوق همسایگی» در بستر جامعه شکل گیرد.

ضرورت پژوهش و هدف تحقیق

قوانین و مقررات در صورتی که هم درصدد توسعه کالبدی-فضایی این نوع سکونتگاه‌ها باشد و هم به‌دنبال تحقق حقوق همسایگی باشد، با تقابل و تعارضی برخورد می‌کند که مابین «حقوق مالکانه و منافع عمومی» شکل می‌گیرد، تعارضی که ابهامات جدی را در بستر ضوابط و مقررات موجود نمایان می‌سازد. ابهامات مورد نظر در بطن قوانین و مقررات شهرسازی، نه به‌دلیل ضعف قوانین، بلکه به‌علت تقابل حقوق مالکانه و منافع عمومی در بستر فضاهای خصوصی و عمومی این نوع سکونتگاه‌ها است که نمود پیدا می‌کند. با توجه به این فرایند، قضاوت درباره تقابل حقوق مالکانه و منافع عمومی، نه در بستر قوانین و مقررات شهرسازی بلکه در حوزه مکمل این قوانین یعنی عرف جامعه امکان‌پذیر است، قضاوتی که در جهت تحقق حقوق همسایگی، از «تعارض منافع بر پایه قانون» به «توافق جامعه بر پایه عرف» تغییر ماهیت می‌دهد.

اصالت پژوهش حاضر از آنجا نشأت می‌گیرد که دو هسته اصلی پژوهش (واژگان کلیدی) یعنی حقوق همسایگی و فضاهای خصوصی و عمومی، در نظام برنامه‌ریزی شهری بر پایه قوانین و مقررات شهرسازی به‌هم پیوند خورده و به توسعه شهری منسجم منجر می‌شود، اما ضعف موضعی قوانین و مقررات موجود، این پیوند را در مواردی متزلزل نشان می‌دهد لذا عرف اجتماعی به‌عنوان مکمل مقررات شهرسازی در جهت توسعه نظام‌مند فضاهای شهری و روستایی، رسالت

سعی می‌شود روند تبدیل تعارضات قانونی به توافقات اجتماعی برای رعایت حقوق همسایگی تحلیل و تبیین شود.

به‌کارگیری «روش تحقیق توصیفی» و استفاده از تکنیک استدلال منطقی در این پژوهش برای پاسخ به «چگونگی تحقق‌پذیری حقوق همسایگی بر پایه عرف اجتماعی»، صورت می‌گیرد که این فرایند براساس اصول عقلانی و مبتنی بر منطق، هم در بعد «نمونه موردی» (روستای اورامان تخت کردستان) و هم در بعد «مطالعات اسنادی» (قوانین و مقررات شهرسازی و منابع قابل استناد علمی) پی‌ریزی شده است. اطلاعات مورد نیاز در بستر پژوهش نیز براساس آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی و همچنین «مشاهده اسنادی» مانند منابعی که به مجموعه فکری «حقوق همسایگی - حقوق مالکانه - عرف اجتماعی - منافع عمومی» مرتبط بوده و در بخش‌هایی نیز بر پایه «مشاهده میدانی» از روستای اورامان تخت در کردستان جمع‌آوری شده است (نمودار شماره ۱). عناصر و ویژگی‌های شکل‌دهنده پژوهش در دو طیف مجزا را خلاصه کرده است.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

لزوم توجه به حقوق همسایگی

در متون اسلامی از مسائل مؤکد زندگی اجتماعی، توجه به همسایه است که روایات زیادی از پیامبر اکرم (ص) در جهت تأکید بر این حق اجتماعی نقل شده است. رسول اکرم (ص) در بیان حقوق همسایگی می‌فرمایند: «اگر از تو کمک خواست کمکش کنی، اگر از تو قرض خواست به او قرض دهی، اگر نیازمند شد نیازش را برطرف سازی، اگر مصیبتی دید او را دلداری دهی، اگر خیری به او رسید به وی تبریک

تحقق حقوق همسایگی در فضاهاى خصوصی و عمومی را برعهده دارد. در نتیجه هدف اصلی پژوهش، تحلیل نقش و تبیین جایگاه «قوانین شهرسازی و عرف اجتماعی» در تحقق‌پذیری حقوق همسایگی است که بر پایه دو سوال زیر، این هدف جهت‌گیری می‌شود:

۱. حقوق همسایگی در بستر کنش و واکنش متقابل «حقوق مالکانه و منافع عمومی» چه جایگاهی دارد؟
۲. فرایند تبدیل «تعارضات قانونی به توافقات عرفی» چگونه منجر به تحقق حقوق همسایگی می‌شود؟

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت سؤالات پژوهش و جهت‌گیری اصلی آن، بُعد شناخت‌شناسی پژوهش را «تفسیری» نمایان می‌سازد؛ پارادایمی که در مقیاس عام در بستر مطالعات شهرسازی با تفسیرگرایی استقرایی به تحلیل نحوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌پردازد و در مقیاس خاص در این پژوهش نقش پیوند دهنده حقوق همسایگی و عرف اجتماعی را ایفا می‌کند؛ پیوندی که بر پایه «رویکرد کیفی و ماهیت توصیفی» استوار است.

به‌منظور تقویت پایه‌های نظری و تدقیق چارچوب مفهومی، ابتدا هسته‌های کلیدی پژوهش یعنی «حقوق همسایگی» و «فضاهای خصوصی و عمومی» تعریف و تبیین می‌شود. در ادامه با نگاهی موضوعی به روستای اورامان تخت در استان کردستان به تحلیل مسئله پژوهش با استفاده از «استدلال منطقی» پرداخته می‌شود. استدلالی که با هدف تحقق‌پذیری حقوق همسایگی، کنش و واکنش متقابل بین «حقوق مالکانه و منافع عمومی» را در بستر قوانین و مقررات شهرسازی از یک‌سو و عرف اجتماعی از سوی دیگر مورد تحلیل منطقی قرار می‌دهد. به‌نحوی که در این استدلال

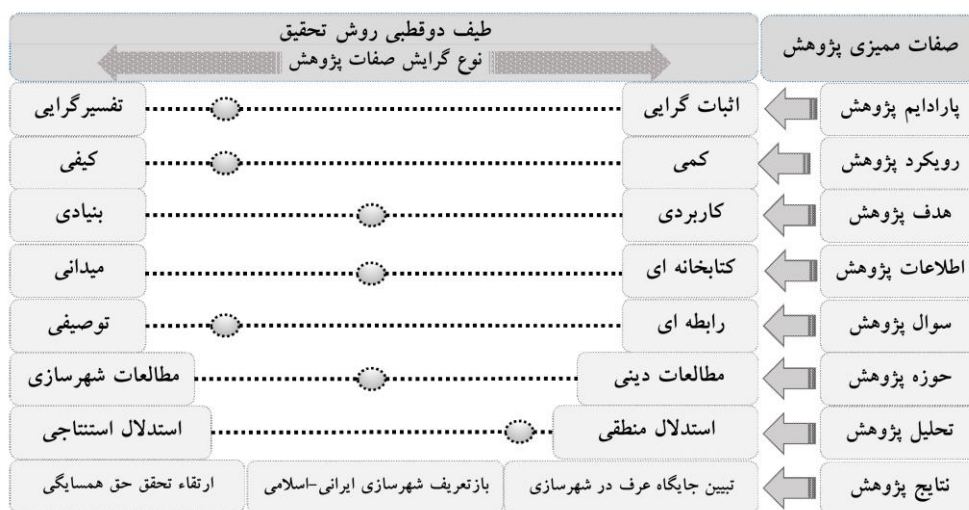
گویی، اگر بیمار شد به عیادتش بروی، وقتی از دنیا رفت در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی، خانه‌ات را بلندتر از خانه او نسازی تا جلوی جریان هوا را بر او بگیری مگر آنکه خودش اجازه دهد» (شهید ثانی، ۹۶۶ هجری: ص ۵۰۱). در سوره نور آیه (۲۷)^۱ نیز در اشاره به آداب و رسوم برخورد با همسایه آمده است: «ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه خودتان وارد نشوید تا رخصت طلبید و به اهل آن خانه سلام کنید که این شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر شوید».

همسایگی از بُعد مکانی حدی دارد که در احکام اسلامی و به‌خصوص با تأکید بر سخنان پیامبر اکرم (ص) تا چهل خانه از هر طرف، همسایه تلقی می‌شود و نسبت به آن‌ها وظایف بسیار متنوعی به عهده مسلمانان هست که جز با دیدار و اطلاع از احوال یکدیگر و تعامل همه جانبه، تحقق این مسئولیت‌ها امکان‌پذیر نیست (واحدی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۶). اهمیت و جایگاه توجه به همسایه و حقوق همسایگی، همان‌گونه که در بطن روابط اجتماعی اسلام نمود دارد، در بستر شهرهای اسلامی نیز نمود واقعی پیدا کرده است، طوری که بسیاری از اسلام‌شناسان غربی، شناخت مبانی اجتماعی اسلام را زیر بنای ضروری برای تحلیل کالبدی شهرهای اسلامی دانسته‌اند. با بررسی منابع متعدد در حوزه مطالعات دینی (از قبیل قرآن، حدیث، فقه و پژوهش‌های دینی)، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ضرورت توجه به حقوق همسایگی از منظر شهرسازی، عبارت‌اند از:

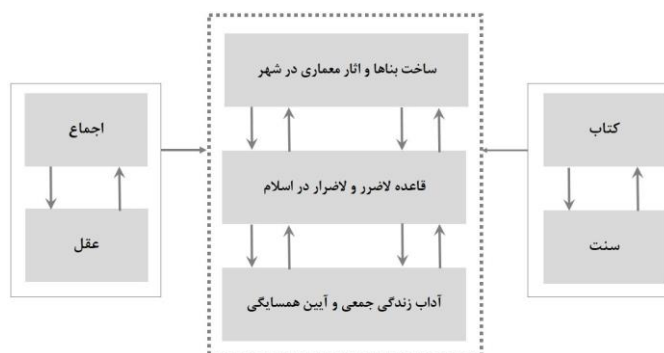
- تأثیرپذیری فضای اجتماعی و فضای کالبدی از یکدیگر

- همسایه، عامل شکل‌گیری فضای اجتماعی و حقوق همسایگی، عامل شکل‌گیری فضای کالبدی
- حقوق همسایگی حلقه اتصال بین فضای خصوصی با فضاهای عمومی
- تحقق سلسله مراتب فضایی-کالبدی در بافت‌ها با رعایت حقوق همسایگی در فضاها
- تأمین حقوق اجتماعی و زیستی شهروندان
- توجه به حقوق همسایگی لازمه دستیابی به اهداف و آرمان‌های شهر ایرانی - اسلامی

مراقبت از همسایه و ضرورت توجه و احترام به حقوق همسایگان در زندگی مسلمانان، آن‌چنان نیرومند بوده است که به‌تدریج در اکثر شهرهای اسلامی، گونه‌ای حلقه و پیوند همسایگی شکل گرفته است و همسایه به‌نوعی خانواده دوم تلقی شده است (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹: ۸)؛ در ادامه، فقهای صدر اسلام در مواجهه با شهرنشینی روزن افزون جامعه در قرون دوم تا یازدهم به تعریف ماهیت و اجزای ساختمان در بافت شهری، تعیین حقوق و مزایای بنا و تعریف عرصه‌های خصوصی و عمومی می‌پرداختند. این تعاریف را از سنت پیامبر اکرم (ص) و همچنین عرف زمان خود استنباط نموده‌اند و زیستگاه‌های نخستین اسلامی نیز بین این دو قطب توسعه پیدا کرده است (هللد، ۱۳۷۶: ۱۲). یکی از اصول فقهی-دینی در این زمینه «قاعده لا ضرر و لا ضرار در اسلام»^۲ است؛ قاعده‌ای که اساس و پایه تحقق حقوق اجتماعی در مقیاس کلی و حقوق همسایگی در مقیاس خاص را به‌دنبال داشته و ماهیتی نظری-عملی به‌همراه دارد (نمودار شماره ۲).



ن ۱. عناصر و ویژگی های شکل دهنده پژوهش در دو طیف مجزا. مأخذ: نگارندگان.



ن ۲. نظر و عمل در قاعده لاضرر و تجلی آن در شهر اسلامی. خسروی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶.

حقوق همسایگی در بستر شهر ایرانی - اسلامی

عقلانیت معماری شهرها چنان که از تاریخ اسلام برمی آید مسئله مهم رهبران در امر شهرسازی بوده است و بدان اهمیت بسزا می داده اند (پاشا، ۱۳۷۸: ۱۰). طبق نظر اکثر اندیشمندان، «اقلیم و فرهنگ» همواره دو عامل اصلی در شکل دهی به کالبد بنا و بافت شهر بوده است و در اکثر موارد خواست های فرهنگی مردم بر الزامات اقلیمی برتری داشته است، یکی از ویژگی های اصلی فرهنگ اسلامی رفتار اجتماعی سالم و رعایت حقوق

دیگران است (انجمنی، ۱۳۹۱). از جمله مهم ترین این حقوق، حق همسایه است، اسلام به گونه ای استثنایی، همسایه داری را به مثابه ستون فقرات امت می داند و برای آن مجموعه ای از اصول اخلاقی در نظر گرفته است که به نوبه خود تکالیفی هستند که به بهبود، ارتقاء و کنترل همسایه داری کمک می کنند (هشام، ۱۳۸۷: ۵۵)، این اخلاق همسایه داری را در دو اصل مهم می توان یافت؛ الف: روابط مستحکم همسایگی، ب: حفظ حقوق همسایگان.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر ساختار و سازمان فضایی معماری و شهرسازی شهر ایرانی اسلامی، می‌توان به نمادها، نهادها، مقتضیات فرهنگی دینی و وضعیت‌های خاص بوم‌شناختی اشاره کرد. در واقع وجهه خاص اسلامی دادن به نمای عمومی یک شهر بستگی به تأمین انواع نیازهای مبنایی دارد که مردم آن براساس شاکله ویژه خود از نظر اخلاق و اعتقادات و منش‌های فرهنگی و موقعیت‌های خاص انسانی و تاریخی و هنری و ... آن‌ها را درخواست می‌کنند (پژوهنده، ۱۳۹۲: ۵). از سوی دیگر انسان موجودی جمع‌گراست و زندگی در جمع مستلزم رعایت محدودیت‌هایی به‌عنوان حقوق، قوانین و مقررات جمعی است که در زندگی فردی کمتر وجود دارند. در مسائل حقوقی مربوط به حق هم‌جواری در اسلام حقوقی در نظر گرفته شده است به نام «حق همسایه». حقوق همسایگان بر یکدیگر بسیار است. از عمده حقوق همسایه تزامن نداشتن نسبت به یکدیگر از

نظر سلب آسایش، سلب نور، سلب هوای آزاد، سلب بهداشت روانی و سلب امنیت است. در حدیثی^۳ از پیامبر اکرم (ص) که به جنبه‌های معماری و شهرسازی اسلامی تأکید دارد نیز رعایت حقوق همسایه‌ها شرط اول و مهمی است که نظام ساخت‌وسازها بر پایه آن شکل می‌گیرد و پابرجا می‌ماند.

با توجه به دیدگاه عالمان و بر پایه منابع شریعت اسلامی، فرد مسلمان نیاستی از املاک و اموال همسایگانش در جهت بهره‌برداری شخصی استفاده نماید. به این ترتیب یکی از خصیصه‌های اصلی شهر اسلامی احترام به حقوق شهروندی است که نمود کالبدی خود را همواره به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری بافت شهری داشته است. بدین ترتیب نظام فضایی شهر اسلامی تبلور قوانین و آداب اجتماعی دین مبین اسلام می‌گردد، قوانینی که بر پایه مبانی فقهی-دینی مرتبط با حقوق همسایگی استوار است (جدول شماره ۱).

مبنای اسلامی	راهبرد (فقهی-دینی)	مصادق (تجلی کالبدی)	تأثیر (از منظر شهرسازی)
سوره نور، آیه ۲۷	حفظ حریم در طرح واحدهای مسکونی	فرم‌های درون‌گرا و هندسه‌های مبتنی بر اصل سلسله مراتب فضایی	ارتقای امنیت در فضاهای خصوصی با انسجام نظام فضایی و نظام عقیدتی
پیامبر اکرم (ص) ^۴	توجه به حقوق همسایگی	فرم‌هایی دارای هماهنگی نسبی (ارتفاع و...)	حفظ حقوق مالکان و کاهش تنش‌های احتمالی میان آنان
حضرت علی(ع) ^۵	لزوم تعامل همسایگان با یکدیگر	فرم‌هایی که ابنیه مسکونی با فضاهای نیمه عمومی از سایر فضاها جدا می‌شود	ارتقای تعاملات اجتماعی بین همسایگان
امام صادق(ع) ^۶	لزوم رعایت حقوق شهروندان در هر ساخت‌وسازها	فرم‌هایی که از هماهنگی نسبی در کالبد برخوردارند	ارتقای روحیه برابری و برادری در شهر و تأمین حقوق شهروندان

ج ۱. مبانی فقهی-دینی در باب حقوق همسایه و تحلیل آن. مأخذ: نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱.

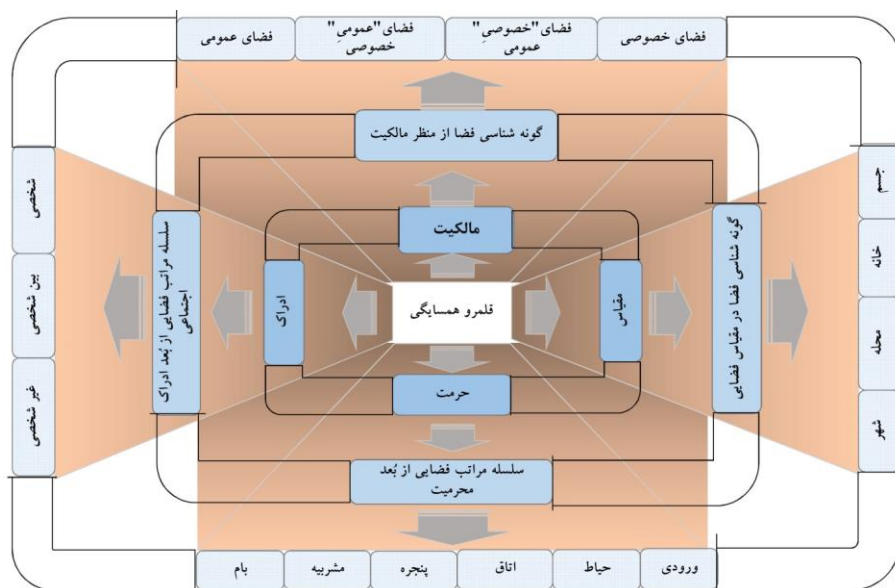
مؤلفه‌های حاکم بر قلمرو همسایگی

در گذشته یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده در بافت محلات، وجود سلسله مراتب در صورت‌بندی فضاها به‌خصوص فضاهای جمعی بود (علی‌الحسابی و نگارش، ۱۳۸۹: ۳۰). انعکاس قوانین اسلامی در بستر فضاهای خصوصی و عمومی، گونه‌بندی و سلسله

مرتب خاصی از فضا را تبیین می‌کند. سلسله مراتبی که موجبات تحقق‌پذیری حق و حقوقی در این فضاها شده و نظم کالبدی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی و عرفی ویژه‌ای را در بستر فضاها پابرجا می‌سازد. طبعاً ایجاد حریم در اماکن مسکونی مسلمانان از جمله اصول ثابت در فرم‌یابی فضاهای زیستی آنان تلقی می‌شود که به

فضاها را در بر می گیرد. گونه شناسی فضاها، قلمروی همسایگی در بستر شهر ایرانی-اسلامی، خود به گونه شناسی و سلسله مراتب فضایی از ابعاد دیگری وابسته است که عبارت اند از مؤلفه های: مالکیت فضا^۷، مقیاس فضا^۸، حریمیت فضا و ادراک فضا (نمودار شماره ۳).

رعایت سلسله مراتب فضایی در این گونه ابنیه می انجامد (کریمیان و عطار زاده، ۱۳۹۰: ۶۲). لذا بازشناسی مؤلفه های حاکم بر قلمروی همسایگی و به دنبال آن گونه شناسی فضاها در این قلمرو، نه صرفاً بر بعد کالبدی، بلکه بر ابعاد مهم دیگری نیز استوار است، ابعادی که ماهیت حقوقی، اجتماعی، فیزیکی و عرفی



ن ۳. گونه شناسی فضاها در قلمروی همسایگی. مأخذ: نگارندگان.

حقوق همسایگی و نوع قلمروی اجتماعی-کالبدی آن، پژوهش در صدد تحلیل پیوند بین حقوق همسایگی و عرف اجتماعی (تعامل و مشارکت بین ساکنین) ادامه پیدا می کند.

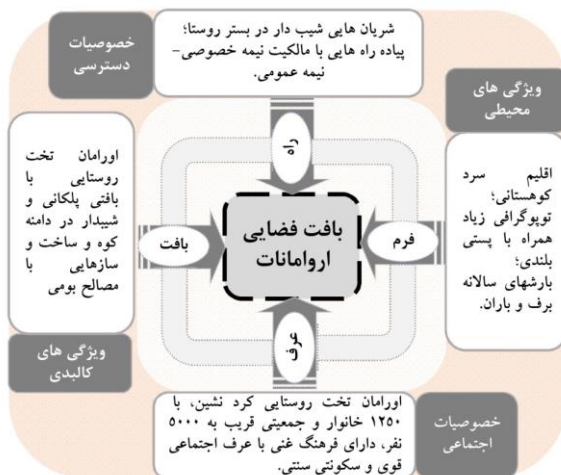
اورامان تخت، الگویی منتج از تعامل

اورامان تخت، روستایی از توابع بخش اورامان، شهرستان سروآباد در استان کردستان است که در ۶۵ کیلومتری شهرستان مریوان واقع شده است. بافت این روستا از لحاظ معماری به صورت پلکانی در شیب تند ساخته شده است و پشت بام منزل پایین به منزله حیاط

با توجه به ویژگی های حاکم بر جامعه روستایی از قبیل غنای فرهنگی و ظرفیت های کالبدی؛ مشارکت و تعامل میان روستائیان امری اجتناب ناپذیر تلقی شده (علی الحسینی، ۱۳۹۰: ۳۵) لذا رعایت حقوق همسایگی نیز به عنوان یکی از پایه های انسجام اجتماعی و انتظام کالبدی مطرح می گردد. این حقوق از یک سو به دلیل ضرورت در رعایت و از سوی دیگر با توجه به جایگاهی که در شهر ایرانی-اسلامی دارد؛ در مقیاس های مختلف فضایی، مالکیت، ادراک و حرمت قابل تبیین و تعریف است. در نتیجه با تکیه بر اهمیت

خانه بالاست. مهم‌ترین مصالح مورد استفاده در ابنیه این روستا سنگ و چوب است.

با توجه به مسئله و اهداف پژوهش، شناخت محدوده مورد نظر صرفاً از نظر ابعاد مداخله و مؤثر بر مسئله پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. ابعادی که از یک سو به مجموعه فکری "روابط اجتماعی رایج در روستا" و از سوی دیگر به "ویژگی‌های کالبدی-محیطی حاکم بر روستا" مرتبط می‌شود. لذا در جهت شناخت و مطالعه نوع گونه‌شناسی فضاها و نحوه تحقق‌پذیری حقوق همسایگی در بستر این فضاها می‌بایستی ابتدا به نحوه شکل‌گیری بافت فضایی روستا تسلط پیدا نموده؛ زیرا عوامل مؤثر و مداخله‌گر در شکل‌گیری این نوع بافت طبیعتاً نشأت گرفته از عوامل بیرونی و درونی حاکم بر روستا و محیطش است، این عوامل با شکل‌دهی بافتی جدید، حق و حقوق مرتبط با این فضاها را نیز به نحوی متمایز شکل رایج آن به نمایش گذاشته است. در یک کلام می‌توان گفت که بافت فضایی اورامان تخت، حاصل ویژگی‌های محیطی و کالبدی و خصوصیات اجتماعی و دسترسی روستا است (نمودار شماره ۴).



ن ۴. عوامل مؤثر بر شکل‌دهی بافت فضایی اورامان تخت. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های محیطی، کالبدی، دسترسی و اجتماعی. ویژگی‌های محیطی در بستر فضاهای روستا در قالب عنصر «فرم» در شکل‌دهی به بافت فضایی روستا ایفای نقش می‌کند، به نحوی که وضعیت شیب زمین و محدودیت‌های ژئومورفولوژی، چگونگی تعریف واحدهای همسایگی را نیز تغییر می‌دهد و مسیر ارتباطی و حرکتی عابر پیاده و خودرو، در قالب «راه»، نیز تابع محدودیت‌های توپوگرافی می‌باشند.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکل‌دهی به خانه‌های روستایی و بافت فضایی آن، ویژگی‌های کالبدی روستا است. از آنجا که مسکن، فضای خصوصی زندگی انسان‌هاست لذا توجه به شرایط آسایش و آرامش در این فضاها و همچنین لحاظ نمودن اقتصادی بودن راه‌های دستیابی به شرایط فوق بسیار حائز اهمیت است (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۷)، پس ویژگی‌های کالبدی نیز در قالب «بافت»، بر سازمان فضایی بافت مؤثر است.

خصوصیات اجتماعی نیز در قالب «عرف» به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر شیوه معماری مطرح بوده و خود از عواملی از قبیل فرهنگ، ویژگی‌های قومی، آداب و سنن تأثیر می‌پذیرد. عامل فرهنگ بر برون‌گرایی و درون‌گرایی، سلسله مراتب حرکتی و همچنین نما و حجم ساختمان تأثیر می‌گذارد. عناصر خروجی از عوامل چهارگانه مؤثر بر بافت فضایی روستا را می‌توان در نمودار شماره ۴ به نمایش گذاشت.

بحث و تحلیل

نحوه و میزان تحقق‌پذیری حقوق همسایگی در بستر فضاهای شهری و روستایی، گذشته از قوانین و مقررات شهرسازی موجود؛ به نوع سکونتگاه شهری و روستایی و آداب و رسوم حاکم بر جامعه بستگی دارد. روستاها و سکونتگاه‌های کوهستانی در مقیاس عام و روستای اورامان تخت در مقیاس خاص، نمونه‌ای بارز از فضای

ما را به رهیافتی در باب منابع حقوق در مقیاس عام و حقوق همسایگی در مقیاس خاص هدایت می‌کند. در مقیاس عام، حقوق بر پایه «قانون، عرف، رویه قضایی و دگرترین»؛ تولید - تفسیر - اجرا می‌شود. حقوق همسایگی به‌عنوان بارزترین حقوق در شهرسازی، نیازمند تحلیل و بازشناسی منبع تحقق‌پذیری این حق یعنی قانون و بررسی چالش‌های محتوایی این منبع حقوقی در مقابله با شرایط خاص و ویژه شهرسازی یعنی بافت فضایی روستاهایی از قبیل اورامان تخت است.

بافت فضایی این روستا بر پایه قوانین موجود در زمینه رعایت حق همسایگی، یعنی قانون مدنی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ با تعارضاتی روبه‌رو است که این تعارضات نه ناشی از ضعف قوانین، بلکه ناشی از ویژگی‌های خاص بافت کالبدی - فضایی این روستا است. پایداری و ثبات در همزیستی ساکنین روستای اورامان تخت بیانگر الگویی خاص از سکونت است که با وجود تعارض بین نحوه توسعه کالبدی - فضایی روستا با قوانین جاری کشور (به‌خصوص قانون مدنی و قانون اساسی)، نوعی تعامل و توافقی عرف محور بر روستا حاکم است که پایداری و انسجام سکونت آنرا منجر شده است. در جدول شماره ۲، بخشی از تعارضات مذکور تشریح و صورت‌بندی شده است.

قوانین و مقررات شهرسازی که پایه و اساس آن از قانون مدنی و قانون اساسی شکل گرفته است، ضامن اصلی تحقق عدالت اجتماعی در قالب «حقوق مالکانه و منافع عمومی جامعه» است، لذا قانون را می‌توان پایه و اساس توسعه کالبدی - فضایی شهرها و دستیابی به عدالت اجتماعی تلقی نمود. قانون در بستر فضاهای شهری و روستایی، مالکیت را عنصری جدایی‌ناپذیر از این فضاها دانسته و اساس شکل‌گیری حقوق خصوصی و حقوق عمومی را بر مبنای مالکیت فضاها تعریف می‌کند.

سکونت با ویژگی‌های خاص کالبدی - فضایی است به‌نحوی که بر پایه قوانین و مقررات شهرسازی موجود، حقوق اختصاصی مالکانه همسایگی در این نوع فضاها، قابلیت تحقق‌پذیری بسیار پایینی دارد. عدم تحقق‌پذیری و یا تحقق‌پذیری بسیار پایین حقوق همسایگی در این نوع فضاها بر پایه قانون، نه ناشی از ضعف محتوایی قوانین و مقررات شهرسازی موجود، بلکه ناشی از ویژگی‌های خاص بافت فضایی این سکونتگاه‌ها است که حقوق و منافع خصوصی را در تقابل با حقوق و منافع عمومی قرار می‌دهد. تقابلی که تزلزل این نوع سکونتگاه‌ها را به‌دنبال دارد. لذا آنچه پایداری این نوع سکونتگاه‌ها را برقرار نموده عنصر مکمل قانون، یعنی «عرف اجتماعی» است، عرفی که تعارض منفعت‌طلبان را به تعادلی پایدار تغییر می‌دهد. در تبیین موضوع ابتدا به تعارض‌ها و تضاد منافع بر پایه قانون پرداخته، سپس آشتی و توافق جامعه بر پایه عرف مورد تحلیل منطقی قرار می‌گیرد تا مدل مفهومی تغییر این فرایند از تعارض به توافق حاصل شود.



ت ۱. نمایی از خانه‌های پلکانی روستای اورامان تخت.
مأخذ: مرادخانی و دانا سالم، ۱۳۹۰: ۴.

تعارض‌ها و تضاد منافع بر پایه قانون

تحلیل و بررسی حقوق همسایگی در بستر سکونتگاه‌هایی با محدودیت‌های ژئومورفولوژی خاص،

ماده قانونی	متن ماده قانونی	رویکرد ماده قانونی در بستر بافت فضایی اورامان تخت
اصل ۴۰ قانون اساسی	«هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»	اشتراک فضاهای خصوصی و تبدیل آن به فضاهای عمومی در جهت منافع جامعه، مالکیت مطلق را از مالک سلب کرده.
ماده ۹۳ قانون مدنی	«ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگری».	این حق در بستر فضاهای اورامان تخت رایج بوده به نحوی که رعایت آن، ساکنین را به تعاملی مشترک سوق داده است.
ماده ۹۵ قانون مدنی	«هرگاه زمین یا خانه کسی، مجرای فاضلاب یا آب باران کسی بوده است، صاحب آن خانه یا زمین نمی تواند از آن جلوگیری کند، مگر اینکه عدم استحقاق او معلوم باشد»	به دلیل محدودیت های ژئومورفولوژی و محیطی حاکم بر روستا، این ماده قانونی از بعد آمرانه قانون به نوعی عادت و عرفی پایدار و مورد قبول عموم ساکنین بدل شده است.
ماده ۹۸ قانون مدنی	«اگر کسی حق عبور در ملک غیر ندارد ولی صاحب ملک اذن داده باشد که از ملک او عبور کنند، هر وقت بخواهد می تواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر ارتفاقات»	عرف اجتماعی حاکم بر روستا، اذن استفاده از ملک خصوصی (بام و حیاط مسکونی) به عنوان راه عبوری را امری عدالت محور و دائمی در جهت سکونت ساکنین و قابلیت توسعه کالبدی روستا تلقی می کند.
ماده ۹۹ قانون مدنی	«هیچ کس حق ندارد ناودان خود را به طرف ملک دیگری بگذارد یا آب باران از بام خود به بام یا ملک همسایه جاری کند و یا برف بریزد مگر به اذن او»	بافت کالبدی-فضایی روستا ایجاب کرده است که حق مطلق و کامل مذکور را به عرفی قابل انعطاف و مورد پذیرش عموم روستاییان تبدیل کند.
ماده ۱۲۰ قانون مدنی	«اگر صاحب دیوار به همسایه اذن دهد که بر روی دیوار او سر تیری بگذارد یا روی آن بنا کند، هر وقت بخواهد می تواند از اذن خود رجوع کند مگر این که به وجه ملزومی این حق را از خود سلب کرده باشد»	اذن متقابل تک تک ساکنین به همسایگان در جهت استفاده از ملک شخصی (حیاط مشترک)، این حق را به عرفی مبتنی بر اصول و ضوابطی مشخص، تغییر داده است، اصولی که پایداری عرف حاکم را پدک می کشد.
ماده ۱۳۰ قانون مدنی	«کسی حق ندارد خانه خود را به فضای خانه همسایه بدون اذن او خروجی بدهد و اگر بدون اذن او خروجی بدهد ملزم به رفع آن خواهد بود»	شرایط اقلیمی و محیطی روستا این حق مطلق را از ساکنین سلب و اجازه به اشتراک گذاری فضاهای خصوصی را با رعایت اصول و ضوابطی به همسایه ها داده است.
ماده ۱۳۱ قانون مدنی	«اگر شاخه درخت کسی داخل در فضای خانه یا زمین همسایه شود باید از آنجا عطف کند و اگر نکرد همسایه می تواند آنرا عطف کند و اگر نشد از حد خانه خود قطع کند و همچنین ریشه های درخت که داخل ملک غیر می شود»	ماده قانونی مذکور، مطلق بودن حق مالکیت را عامل دستیابی به سکونت و آرامش ساکنین می داند، حقی که در بستر روستای اورامان تخت مفهوم واقعی خود را به مجموعه توافقات و معیارهایی در قالب عرف اجتماعی داده است.
ماده ۱۳۲ قانون مدنی	«کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا ضرر از خود باشد»	استفاده مشترک از فضاهای نیمه خصوصی به عنوان حیاط و راه دسترسی، تصرفات ممکنه در این فضاها را به حداقل رسانده و هرگونه ادعای مالکیت را به توافق جمعی منتهی می سازد.
ماده ۱۳۳ قانون مدنی	«کسی نمی تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند اگرچه دیوار، ملک مختصی او باشد لیکن می تواند از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد ولی همسایه هم می تواند جلوی روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رؤیت شود»	استفاده مشترک از بام همسایه پایینی به عنوان حیاط و راه عبوری، حق و اجازه هرگونه تصرف در این فضا را از صاحب حیاط گرفته و علاوه بر آن حقوقی نیز در استفاده درست این فضا بر گردن دارد، حق و حقوقی که وی نیز از همسایه بالادستی که از بام او استفاده می کند، انتظار دارد.
ماده ۶۰۴ قانون مدنی	«کسی که در ملک دیگری حق ارتفاق دارد نمی تواند مانع از تقسیم آن ملک بشود ولی بعد از تقسیم حق مزبور به حال خود باقی می ماند».	مسالمت آمیزی ساکنین روستا، از محدوده رعایت ماده قانونی مذکور فراتر رفته و در حقیقت به نوعی سازش و همزیستی پایداری منجر شده است که همواره با ثبات همراه بوده است.

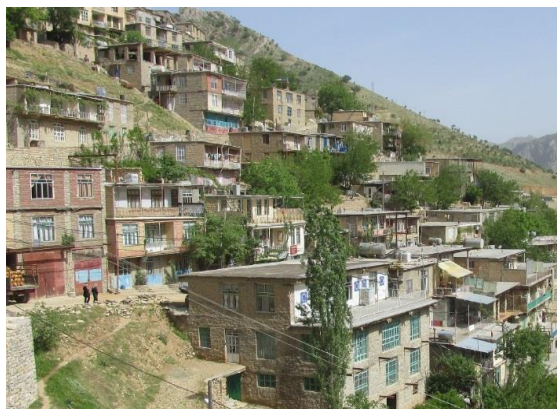
ج ۲. نمونه هایی از مواد قانون مدنی و قانون اساسی و تحلیل آن در بستر بافت فضایی-کالبدی اورامان تخت کردستان.

قانونی فوق در بستر بافت فضایی روستای اورامان تخت، نمایانگر این واقعیت است که بافت فضایی روستا نه بر پایه قانون (که منبع اصلی حقوق است)، بلکه براساس مرجع مکمل قانون، یعنی عرف جامعه

قوانین و مقررات در فضاهای شهری همواره با چالش های انکارناپذیری روبه رو است که ناشی از تقابل منافع بین انواع فضاهای شهری از یک سو و تنوع مالکیتی این فضاها از سوی دیگر هست. تحلیل مواد

یا ملک دیگری حق مرور یا مجرای آب به ملک خود داشته، صاحب خانه یا مالک نمی‌تواند مانع عبور او یا مانع آب بردن از ملک خود شود.

ممکن است حق ارتفاق ناشی از حکم مستقیم قانون و مربوط به وضع طبیعی املاک باشد (به‌خصوص روستاهایی از قبیل اورامان تخت که مشمول این امر می‌شود). مثلاً زمینی که بالاتر از زمین دیگر است، بر حسب طبیعت که قانون نیز آن را محترم می‌شمارد، دارای حق ارتفاق برای فاضلاب و آب باران نسبت به زمین پایین‌تر است. به نحوی که همین فرایند قانونی نیز در بستر فضاهای روستای اورامان تخت با بهره‌گیری از عرف اجتماعی قوی و مسالمت و همزیستی عادلانه محقق شده و پایداری روستا را به‌دنبال داشته است.



ت ۲. بافت کالبدی-فضایی روستای اورامان تخت.
مأخذ: آرشیو تصاویر نویسندگان؛ اردیبهشت ۱۳۹۴.

آشتی و توافق جامعه بر پایه عرف

با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص روستای اورامان تخت (و بسیاری از سکونتگاه‌هایی از این قبیل) قوانین و مقررات شهرسازی در راستای تحقق حقوق همسایگی، با تعارض بین حق مالکیت و منافع عمومی روبه‌رو است. قوانین در تعریف نسبت بین حقوق مالکانه و منافع عمومی با ابهامات ریشه‌ای همراه است،

شکل گرفته است. از بارزترین موارد قانونی که نمایانگر تعارض بین قانون و بافت فضایی روستا است ولی نمایانگر توافق جامعه بر پایه عرف است، تغییر محتوایی قاعده لا ضرر از بعد قانونی به بعد عرفی است. در کشورهای اسلامی احکام فقهی به‌مثابه قوانینی که ساختار ابنیه شهری را نظم بخشیده، به‌شمار می‌رفتند؛ قاعده لا ضرر نیز از مهم‌ترین این احکام است. ماهیت و محتوای قاعده لا ضرر بناهای شهرهای اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده لذا گسترش شهر تابعی از «جلب منفعت و دفع ضرر» بوده است (عبدالستار، ۱۳۷۶: ۱۲۲ و علی‌آبادی، ۱۳۸۹). براساس قاعده «لا ضرر» تصرفات در ملک شخصی باید مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد که سبب اضرار به دیگران نگردد (سیفیان، ۱۳۷۷: ۷۳ و علی‌آبادی، ۱۳۸۹)؛ لذا تعامل و توافق در ارائه اصول و ضوابطی مشترک، پایه‌گذار توسعه کالبدی-فضایی روستای اورامان تخت است.

بنابراین آنچه اصول و ضوابط حقوق همسایگی در بافت این روستا بر آن تکیه کرده و باعث توسعه کالبدی-فضایی روستا بدین شکل شده، عواملی از قبیل عرف اجتماعی، مسالمت‌آمیزی همسایگان، همدلی و هم‌زبانی ساکنین و همبستگی خویشاوندی است نه یک مبنای قانونی که سایر شهرها و روستاهای کشور بر پایه آن استوار است.

یکی از مهم‌ترین موارد قانونی که پی‌ریزی روستاهایی از قبیل اورامان تخت بر پایه آن استحکام سکونتی پیدا می‌کند، «حق ارتفاق» است. منظور از حقوق ارتفافی، آن دسته از حقوقی است که برای شخص، در ملک دیگری وجود داشته باشد. مثلاً در زمین یا خانه کسی، مجرای فاضلاب یا آب باران زمین یا خانه دیگری باشد. در این صورت صاحب آن خانه یا زمین نمی‌تواند از استفاده همسایه جلوگیری کند. اگر کسی از ایام قدیم در خانه

ابهاماتی که نه ناشی از ضعف و کاستی‌های قانون بلکه به شرایط خاص محیط و محدودیت‌های ژئومورفولوژی‌ای مرتبط است که باعث تقابل حق مالکیت و منافع عمومی (پایداری سکونت روستا) شده است.

حال این سؤال مطرح است که آیا در چنین شرایطی توسعه کالبدی- فضایی این نوع سکونتگاه‌ها امکان‌پذیر است؟ و اینکه آیا در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مکملی برای قوانین و مقررات شهری وجود دارد که بر پایه آن توسعه این فضاها قابل تعریف و تبیین باشد؟ از

قدیم در شهرسازی اسلامی، عرف جایگاه بسیار والایی در رعایت حقوق اجتماعی، به‌خصوص حقوق همسایگی داشته است. با گذشت زمان و پیچیدگی‌هایی که در بستر شهر و شهرسازی نمود پیدا کرد، از نقش عرف کاسته و اهمیت قانون پررنگ‌تر شد. روستای اورامان تخت با بافت فضایی خاص خود، نمونه‌ای از فضای سکونتی استوار بر پایه عرف اجتماعی است. جدول شماره ۳ به تحلیل نقش عرف و عوامل مرتبط با آن در بستر روستای اورامان تخت پرداخته است.

مشخصات بافت	توضیحات	نمونه تصویری در بافت روستا
شبکه دسترسی و ارتباطات	ساماندهی و انتظام فضاهای دسترسی‌دهنده مانند دالان‌ها، هشتی‌ها و .. به‌منظور کنترل حجم تبادل هوایی	
	طراحی پیاده راه‌های پلکانی در هم‌جواری منازل مسکونی برای دسترسی به واحدهای مسکونی قرار گرفته در دامنه کوه	
تأسیسات و تجهیزات شهری	استفاده از پشت‌بام و حیاط واحدهای مسکونی برای هدایت کابل‌های برق و لوله‌های آب آشامیدنی به منازل بالادست	
	هدایت آب‌های سطحی و فاضلاب از واحدهای مسکونی بالای دامنه کوه تا واحدهای قرار گرفته در پایین‌دست، با تعامل متقابل همسایه‌ها	
نظام سکونتی عرصه و اعیان	حذف عنصر حیاط با افزایش شیب زمین و امکان استفاده از سقف طبقه یا خانه پایین دست به‌عنوان حیاط و یا معبر عبوری.	
	تعامل جمعی در نظم بخشیدن به نظام بصری روستا با هماهنگی در ساخت‌وسازها از قبیل جهت‌گیری منازل و پنجره‌ها و ورودی خانه‌ها	
سلسله مراتب فضایی	تغییر سلسله مراتب محرمیت بر پایه اصول حاکم بر عرف روستا (مثال: استفاده مشترک از حیاط، بام و تعدیل در محدودیت‌های بصری)	
	تعریفی نو از سلسله مراتب فضایی براساس پایداری سکونت و توسعه تعادل و تعامل بین نحوه استفاده از فضاهای خصوصی و عمومی	
نظام مالکیتی و حقوقی	تبدیل فضا از مالکیت مطلق به مالکیت عام با تعامل و توافق ساکنین روستا (تغییر از مالکیت خصوصی به نیمه‌خصوصی-نیمه‌خصوصی)	
	رعایت حقوقی معین در استفاده مشترک از فضاهایی مثل بام و حیاط؛ در نتیجه تبدیل تعارضات قانونی در ساخت و ساز به تعاملات عرفی در توسعه پایدار	
روابط اجتماعی و همسایگی	برونگرایی معماری و عدم تعریف مشخص عرصه‌های جمعی و خصوصی با توجه به روابط قوی همسایگی	
	مسالمت‌آمیزی ساکنین، همبستگی خویشاوندی و تعاملاتی پایدار که منجر به همزیستی پایدار و بایات در بین ساکنین روستا می‌شود.	

ج ۳. موارد عرفی رایج در بستر بافت فضایی اورامان تخت و تحلیل آن‌ها.

مورد پذیرش قرار گرفته است. به نحوی که در بطن این تعریف، می‌توان به مجموعه‌ای از توافقات و حقوق از قبیل رعایت حقوق متقابل توسط ساکنین، تعاملات خویشاوندی، همدلی و هم‌زبانی ساکنین و مسالمت‌آمیزی همسایگان اشاره نمود. از سوی دیگر عرف به معنای آن دسته از سنت‌ها و سیره‌های جمیل حاکم بر جامعه است که عقلای جامعه آن‌ها را می‌شناسند. البته امر به تابعیت عرف، لازمه‌اش این است که خود امرکننده به آن چیزی که دیگران را امر به آن می‌کند عامل باشد. طبق آیه ۸۰ سوره نحل^۹ که در آن به اهمیت تأمین آرامش و سکونت برای عموم جامعه اشاره دارد؛ هیچ مقررات و ضوابط دیگری حق ندارد این آرامش را به هم بزند چه این مقررات برای بهره‌مندی یک فرد باشد و چه یک گروه.

در حقیقت در بستر اورامان تخت می‌توان به تعادل بین قاعده تسلیط و لا ضرر به وضوح دست یافت. تعادل بین قاعده تسلیط (تسلط و اختیار مالک بر هرگونه تصرف در اموال خویش) و قاعده لا ضرر (نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام) که توسعه کالبدی- فضایی روستای اورامان تخت را به دنبال داشته است، بیانگر این واقعیت است که استواری جامعه بر پایه عرف، بازگشت به شهرسازی سنتی و عصر بدویت نیست بلکه نمود واقعی مشارکت و درک اجتماعی ساکنین از برقراری توسعه عدالت محوری است که شهرسازی مدرن امروز از دستیابی به این آرمان‌ها عاجز مانده است.

آرمان‌هایی که جای خالی آن‌ها در بستر توسعه کالبدی- فضایی شهرهای امروزی به وضوح نمایان است. استفاده و به کارگیری رویکردهای حاکم بر شهرسازی سنتی و سکونتگاه‌هایی از این قبیل می‌تواند در بهبود و درک بیش از پیش همکاری، مشارکت و

حاکمیت عرف اجتماعی بر نظام سکونت روستای اورامان تخت و امثال آن را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرارداد؛ «استندهای مستدل از شهرسازی اسلامی» و «احکام مستخرج از قرآن کریم» که در ادامه به این دو مبحث پرداخته می‌شود.

اسلام نگرش خاصی در مورد همسایگی، به عنوان ستون فقرات امت دارد که در مجموعه‌ای از اصول اخلاقی متجلی می‌شود (اخوت، الماسی فر و بمانیان، ۱۳۸۹: ۳۲). این اصول یا از طریق قانون و یا در مواردی ویژه (مثل روستای اورامان تخت) با تکیه بر عرف به منصفه اجرا در می‌آید.

در گذشته که روند تغییر و تحولات و رشد شهرها به کندی صورت می‌گرفت و امکانات و تنوع ابزارها و مصالح ساختمانی و فناوری و نیز سلاقی محدود بود، نظام عرفی و فرهنگی به خوبی عمل می‌کرد و محصول آن شهرهایی با شکل و سیمای موزون و پایدار بود (صالحی، ۱۳۸۲: ۵۲). با توسعه و گسترش شهرها و پیچیدگی فناوری ساخت و ساز، قوانین شهرسازی با حفظ حقوق مالکانه مردم، با اهدافی چون برقراری نظم، کنترل و مهار جمعیت در شهرها (کاشانی، ۱۳۹۱: ۳) پا به عرصه قضاوت و کنترل در شهرسازی گذاشت. پیچیدگی‌های نظام شهر و شهرسازی بدین جا ختم نشده، بلکه شرایط خاص حاکم بر بعضی سکونتگاه‌ها (از قبیل روستای اورامان تخت به دلیل محدودیت‌های طبیعی)، قوانین و مقررات را برای پاسخگویی به تحقق عدالت اجتماعی کافی ندانسته، بلکه راه حل را در بستر مرجع حقوقی شهرسازی پیشین، یعنی عرف اجتماعی می‌یابد. عرفی که ریشه در مناسبات اجتماعی دارد.

منظور از عرف اجتماعی در این پژوهش عبارت است از مجموعه‌ای از توافقات، معیارها و هنجارهایی که از سوی عموم ساکنین روستای اورامان تخت و امثال آن

تعامل متقابل همسایه‌ها در نظام شهرسازی امروزی نیز کارآمد باشد.

مدل مفهومی خروجی

بر پایه مقررات سنتی حقوق مدنی، مالکیت یک حق کامل و مطلق بوده است، مالک می‌توانسته در ملک خود در فضای بالا و زیرزمین هر تصرفی را بنماید، با این حال در تاریخ حقوق ایران، هیچ مالکی نمی‌توانسته است ساختمان خود را مشرف به خانه همسایگان بسازد (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱).

اصول و پی‌ریزی ضوابط و مقررات شهرسازی بر پایه قوانینی از این قبیل، از یک‌سو فضاهای سکونتی ما را به شهر ایرانی-اسلامی نزدیک و از سوی دیگر به‌کارگیری صحیح مکمل این قوانین، یعنی عرف جامعه؛ فضاهای سکونتی را از تعادل اجتماعی برخوردار می‌سازد. تحقق‌پذیری حقوق همسایگی که به‌عنوان حریمی در بستر معماری و شهرسازی اسلامی، از طریق تقسیم‌بندی فضاها به عمومی و خصوصی و رعایت سلسله مراتب به وجود می‌آید (حمزه‌نژاد و معین‌مهر، ۱۳۹۲)، در روستای اورامان تخت، صرفاً بر پایه قانون تحقق‌نیافته بلکه نیازمند منبع دیگر قانون یعنی عرف بوده است.

امروزه یکی از مهم‌ترین معضلات زندگی در مجموعه‌های مسکونی شهری (آپارتمان‌ها)، عدم درک متقابل واحدهای همسایگی است و بسیاری از منتقدان، این معضل را به دلیل اقتباس صریح و سریع در معماری آپارتمان از فرهنگ و معماری غرب می‌دانند، در حالی که قرون متمادی است ساکنین روستاهایی از قبیل اورامان تخت در بستری بر پایه عرف تداوم دارد. این امر نشان‌دهنده غنای فرهنگ روستا است (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). لذا تبیین و تقویت جایگاه عرف

در معماری و شهرسازی ایرانی، می‌تواند تحقق‌پذیری شهرسازی اسلامی را به‌دنبال داشته باشد.

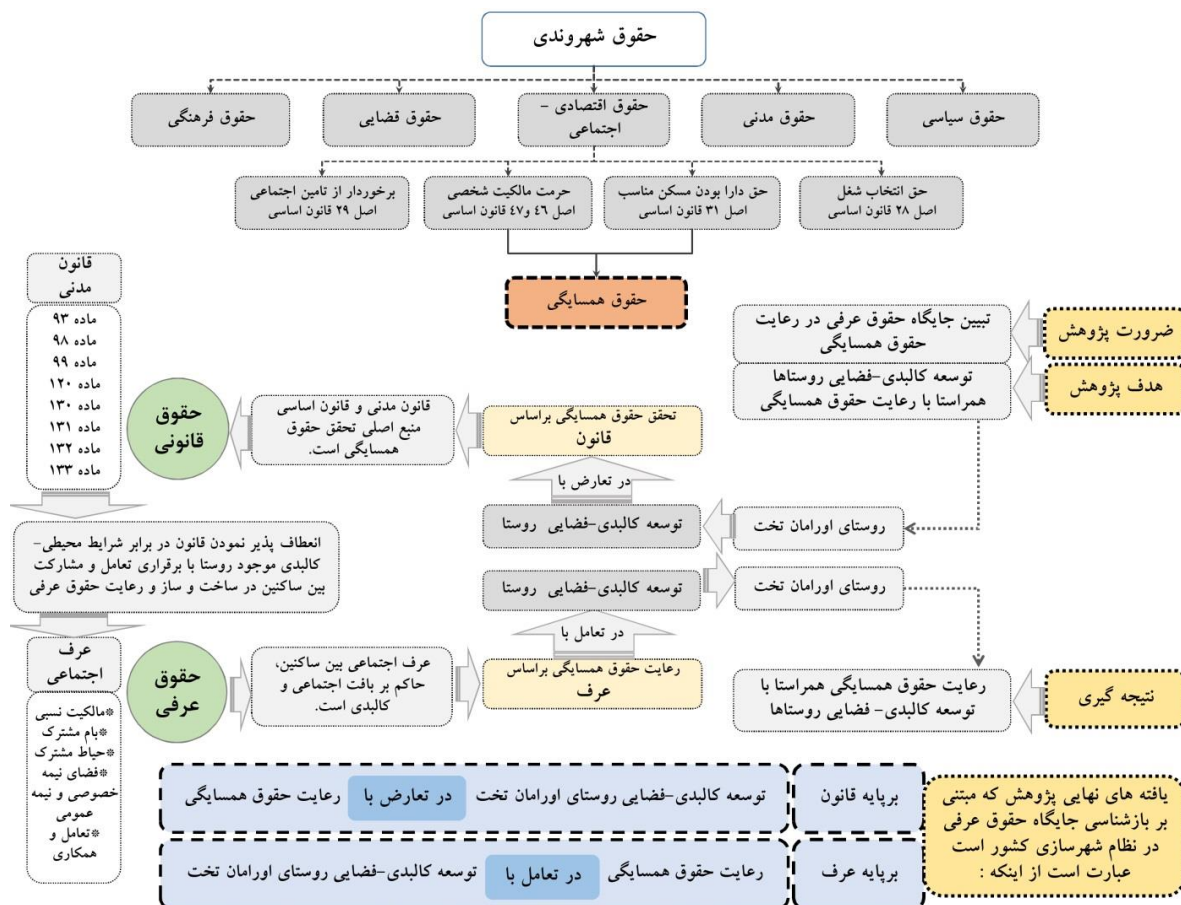
عرف را می‌توان بعد پنهانی مشارکت در شهرسازی ایرانی-اسلامی تلقی نمود. این عرف حلقه فراموش‌شده در معماری و شهرسازی سنتی است که صرفاً بر پایه قانون پابرجاست. در همین راستا و در جهت تقویت جایگاه عرف، بهبود رفتار مشارکتی و توافقی ساکنین شهرها و روستاها و بازتعریف اصول پایه‌ای شهرسازی ایرانی-اسلامی، به ارائه مدل مفهومی پژوهش پرداخته می‌شود.

الگوی مفهومی مذکور (نمودار شماره ۵)، فرایند پژوهش از ضرورت تا یافته‌های آن را به نمایش گذاشته است. به‌نحوی که خاستگاه قانونی حقوق شهروندی و همسایگی را از تضاد تا توافق در فضاهای سکونتگاهی نشان می‌دهد. از آنجا که سازمان کالبدی روستاها در فرایندی تعاملی با حضور عواملی چون علایق و تمایلات و همچنین نیروهای محیطی شکل می‌گیرد (علی‌الحسابی و نگرش، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ الگوی مذکور، منطق جدیدی از شکل‌گیری سکونتگاه‌ها را نشان می‌دهد که نه صرفاً براساس قوانین بلکه براساس عرف اجتماعی حاکم بر روستا، تعریف و تبیین می‌شود. مدل نهایی پژوهش، نه درصدد تبیین این مفهوم که همزیستی ساکنین اورامان تخت منطبق بر عرف بوده و با قانون در تعارض می‌باشد بلکه ارائه‌دهنده این واقعیت است که توسعه کالبدی-فضایی روستای اورامان تخت و امثال آن، بر پایه قانون با تعارضاتی همراه است که بخش عنصر مکمل قانون، یعنی عرف اجتماعی آن را امکان‌پذیر و محقق نموده و پایداری این نوع سکونتگاه‌ها را منجر شده است. لذا بعد معرفت‌شناسی پژوهش بیشتر بر جایگاه و اهمیت

حقوق عرفی در این سکونتگاه‌ها تاکید دارد تا به چالش کشاندن قوانین جاری کشور.

پایداری در روابط اجتماعی، همزیستی ساکنین روستا و بهره‌برداری مشترک از فضاها به شکل عرف دیرینه در بستر سکونتگاه‌هایی از قبیل «روستای اورامان تخت در کردستان، کنگ در مشهد، پالنگان در کردستان و

بوزان در نیشابور»؛ نشان می‌دهد که عدم تعارض منافع و در مقابل تداوم حیات اجتماعی در کالبد فضایی آن‌ها بر پایه الگوی مذکور استوار می‌باشد و این الگو نیز ارائه‌دهنده جایگاه و منزلت حقوق عرفی و عوامل موثر بر آن از قبیل تعاملات خویشاوندی، مسالمت‌های همسایگی، همدلی و هم‌زبانی ساکنین است.



ن ۵. مدل مفهومی خروجی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه

نمی‌شود و به اجرا در نمی‌آید. شرایط و ویژگی‌های حاکم بر هر سکونتگاه نوع تعریف و تبیین این حقوق را مشخص می‌کند اما قانون با تمام جامعیت و دقت

در این مقاله به دنبال تحلیل و تبیین این مفهوم بودیم که حقوق همسایگی به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق در حوزه شهر و شهرسازی، صرفاً بر پایه قانون، تفسیر

خود، نسبت به شرایط و ویژگی‌های خاص محیط، همیشه پاسخگو نیست. آنچه به عنوان مکمل قانون و تقویت‌کننده تحقق‌پذیری و رعایت حقوق، به خصوص حقوق همسایگی است، عرف اجتماعی خواهد بود. این عرف تعارض بین حقوق مالکانه و منافع عمومی در بین ساکنین روستای اورامان تخت را به تعاملی پایدار تبدیل می‌کند که نمود واقعی آن تولید و تداوم بافت فضایی این روستا و دیگر سکونتگاه‌های مشابه است. تعاملی که نه تنها بر پایه قانون و مقررات اجرایی موجود، حاصل نشده بلکه توسعه فضایی-کالبدی این سکونتگاه‌ها را نیز با چالش‌های حقوقی روبه‌رو خواهد ساخت. رایج شدن عرف در بستر توسعه‌های شهر و شهرسازی، نوعی بازگشت عالمانه به شهرسازی اصیل ایرانی-اسلامی است.

عرف، نمود واقعی همکاری، تعامل، مشارکت، مسالمت‌آمیزی، همدلی و هم‌زبانی و درک اجتماعی ساکنین از برقراری توسعه عدالت محوری است که شهرسازی مدرن امروز در دستیابی به آن دچار چالش و با خلأ مواجه است.

امروزه در بستر بافت‌های پیچیده شهری، نمودی از تعامل بین ساکنین حتی در مقیاس یک آپارتمان نیز کمتر دیده می‌شود. در نتیجه تعارضات بین منافع شخصی باعث به وجود آمدن تنش‌ها و به دنبال آن، عدم آسایش و آرامش در مسکن موجود می‌شود. با وجود اینکه نقش قوانین و مقررات در نوع ساخت و سازهای موجود بسیار اهمیت دارد ولی نحوه استفاده و به‌نوعی برقراری تعامل برای زیستی بهتر می‌تواند در بستر مشارکت و همکاری ساکنین اتفاق بیفتد. لذا بازنشانی و تبیین دقیق قواعد و مناسبات دیرینه حاکم بر شکل‌گیری فضاهای سکونتی (از قبیل روستای اورامان تخت) می‌تواند خاستگاه قواعدی اصولی برای تداوم

حیاتی پایدار در سکونتگاه‌ها و تکمیل و توسعه قوانین و مقررات نظم اجتماعی و شهرسازی باشد.

پی‌نوشت

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ»

۲. قاعده لا ضرر از قواعد مشهور فقهی است که در بیش‌تر ابواب فقه کاربرد دارد و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است.

۳. پیامبر اکرم (ص): «کسی که درب خانه‌اش را از ترس همسایه نسبت به خانواده و مالش ببندد، آن همسایه مؤمن نیست، پیامبر (ص) سپس به حقوقی که همسایگان بر یکدیگر دارند پرداختند و از جمله آن‌ها به مسئله مرتفع‌سازی اشاره نمودند که نباید بدین وسیله موجبات آزار همسایه با اشراف بر داخل منزلش و جلوگیری از ورزش باد، فراهم کند».

۴. پیامبر اکرم (ص): «صله رحم، خوش اخلاقی و خوش همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند».

۵. حضرت علی (ع): «خانه را شرافتی است؛ شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم‌نشینیان خوب است و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است».

۶. در حدیثی از امام صادق (ع) که از پدر گرامی‌اش امام باقر (ع) نقل می‌کند، فرمودند: «همسایه مانند خود انسان است؛ نه ضرر می‌رساند و نه ستم می‌کند و احترام همسایه بر همسایه مانند حرمت مادر اوست».

۷. فضای "خصوصی عمومی" (Public private space) «فضایی بیرونی که به نظر عمومی می‌آید؛ اما در حقیقت از مالکیت خصوصی برخوردار است و ممکن است از حد کنترل زیاد (یا کمی) برخوردار باشد». فضای "عمومی خصوصی" (Private public space) «مالکیت عمومی؛ اما با فضایی کارکردی برای کاربران معین، سازمان‌های و نهادهای اداری، اراضی مسکونی و پردیس‌های دانشگاهی».

۸. در کتاب فضاهای عمومی و خصوصی نوشته دکتر علی مدنی پور؛ در جهت درک و سازمان‌دهی فضا و اجتماع، در مقیاس فضایی به نوعی تقسیم‌بندی اشاره دارد که این تقسیم‌بندی از میزان انحصاری و بسته یا باز بودن و نحوه مواجهه و برقراری ارتباط در فضا نشأت گرفته می‌شود؛ تقسیم‌بندی براساس مقیاس فضایی عبارت است از: جسم، خانه، محله و شهر.

۹. «و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا و جعل لکم من جلود الانعام

مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، شماره ۱، دوره سوم، صص ۱۹-۳۰.

- زنجانی، حسین. (۱۳۶۹)، "انفال یا ثروت‌های عمومی، انواع مالکیت در اسلام و موارد آن"، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳ و ۴، صص ۵-۱۴.

- سیفیان، محمدکاظم. (۱۳۷۷)، "قاعده لاضرر و رعایت آن در اصول معماری و شهرسازی اسلامی"، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳، صص ۷۳-۷۷.

- شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۸۳)، "بایسته‌های حقوق اساسی"، نشر میزان، تهران.

- شهید ثانی، زین‌العابدین بن علی عاملی. (۱۳۶۶)، "مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد" [منبع الکترونیکی]، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع)، چاپ اول، قم.

- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۲)، "تحلیل کارکردی ضوابط و مقررات شهرسازی در شکل‌گیری شهر خوب؛ نمونه موردی شهر تهران"، پایان‌نامه دکتری شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا.

- عبدالستار، عثمان. (۱۳۷۶)، "مدینه اسلامی"، ترجمه علی چراغی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

- علی‌آبادی، محمد؛ هاشمی طغرالجردی، مجید. (۱۳۸۹)، "ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی"، نشریه انجمن معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱، سال اول، صص ۶۷-۷۵.

- علی‌الحسابی، مهران؛ نگارش، نفیسه. (۱۳۸۹)، "تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی"، مجله مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۲، صص ۲۹-۳۸.

- علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۰)، "نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی؛ نمونه موردی: بندر لافت"، مجله مسکن و محیط روستا، دوره ۳۰، شماره ۱۳۴، صص ۳۵-۴۸.

- فیروزآبادی، محمد. (۱۳۷۷)، «قاموس المحيط»، جلد سوم. فلاح، محمدجواد. (۱۳۸۹)، "حقوق همسایگی"، ماهنامه فرهنگی

- اجتماعی موعود، سال ۱۵، شماره ۱۲۱، صص ۲۶-۳۸.

- کاشانی، سیدمحمد. (۱۳۹۱)، "حقوق مالکانه در پرو مقررات شهرسازی"، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۷، صص ۱-۵۱.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶)، "دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت"، نشر نی، تهران.

بیوتا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم اقامتکم و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثا و متاعا الی حین» (خداوند برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت و استراحت قرار داده و برای شما از پوست دام‌ها خیمه‌ها پدید آورده که روز کوچ کردن و روز اقامت خود آن‌ها را سبک می‌یابید و از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آن‌ها برای شما اثاث منزل و کالایی که تا مدتی از آن بهره می‌برید، قرار داده است).

فهرست منابع

- قرآن کریم (سوره‌های نور و نحل).
- اخوت، هانیه؛ الماسی‌فر، هانیه؛ بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰)، "معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی"، انتشارات هله، تهران.
- انجمنی، زینب. (۱۳۹۱)، "بررسی جایگاه و مفهوم همسایگی در کالبد شهر اسلامی"، همایش ملی معماری و هویت با محوریت مسکن اسلامی ایرانی، همدان.
- الیاسی، ابراهیم. (۱۳۹۲)، "اورامان تخت، شهر پایدار"، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز.
- پاشا، ابراهیم. (۱۳۷۸)، "نهضت کوفه از دیدگاه روانشناسی اجتماعی"، نشر آتیه، تهران.
- پژوهنده، هادی؛ پژوهنده، علی. (۱۳۹۲)، "نقدی بر هندسه شهری از دید اخلاق و حقوق اسلامی"، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره دوم (پیاپی ۹۷)، سال ۱۹، صص ۱۸۷-۲۱۶.
- حاتمی، علی. (۱۳۸۸)، "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، انتشارات پارس بوک، تهران.
- خالدین، ستار؛ کریمیان، حسن و پوراحمد، احمد. (۱۳۹۳)، "تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران"، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۱۷، صص ۵-۱۷.
- حمزه نژاد، مهدی؛ معین مهر، صدیقه. (۱۳۹۲)، "اصول اجتماعی طراحی شهر و محله بر اساس متون اسلامی"، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- خسروی، محمدباقر؛ بمانیان، محمدرضا؛ سیفیان، محمدکاظم. (۱۳۹۲)، "نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی"، فصلنامه نقش جهان-

- کریمیان، حسن؛ عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۰). "سلسله مراتب فضایی و حرمت و محرمیت در خانه‌سازی جهان اسلام"، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی، تبریز.
- معاریان، غلام‌حسین، هاشمی طغرالجردی، سید مجید؛ کمالی‌پور، حسام. (۱۳۸۹). "تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان"، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۵.
- مرادخانی، ایوب؛ دانا سالم، محمد. (۱۳۹۰). "بازشناسی تأثیر معماری در طراحی پایدار سکونت‌گاه‌های کوهستانی؛ نمونه موردی: اورامانات"، همایش منطقه‌ای عمران و معماری (با رویکرد اصلاح الگوی مصرف)، شهر آمل.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ مولانایی، صلاح‌الدین. (۱۳۹۱). "بازشناخت هویت اصیل معماری و شهرسازی ایرانی بر پایه نمادهایی از معماری اورامان"، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد.
- نقره‌کار، عبدالحمید، حمزه نژاد، مهدی؛ معین مهر، صدیق. (۱۳۹۲). "راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط زندگی از منظر اسلامی"، فصلنامه مطالعات شهری، شماره سوم، صص ۳۱-۴۶.
- ولی‌پور، ابراهیم. (۱۳۸۷). "قانون مدنی"، نشر مهکامه، تهران.
- واحدی فرد، محمدصادق؛ حیدری، غلامرضا؛ سلیمانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). "اخلاق همسایگی و تأثیر آن در امنیت روانی بر مدار سبک زندگی اسلامی"، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، اردبیل.
- رهلد، رناتا. (۱۳۷۸). "در جستجوی هنر معماری در دوره اسلامی"، ترجمه فرزین فردانش.
- هشام، مرتضی. (۱۳۸۷). "اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام"، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی ایران.